قوت احتمال اطلاع شیخ طوسی و شیخ مفید از شرائط دو قرن اول و معنای حدیث حرف واحد

حدود شاید هفت سال است، هشت سال است که ما با این بحث قرائات مشغول هستیم. اوائل من این را مکرر عرض میکردم که برداشت ما در مباحثه این بود که بزرگانی مثل شیخ الطائفه و مثل مرحوم طبرسی که از روایات حرف واحد اسم بردهاند –که مشهور امامیه این را در قبال سبعة احرف آوردهاند- باور ما این بود که ذهنیتی که در قرن اول و دوم حاکم بود، در زمان شیخ الطائفه محو شده بود. و لذا در ذهن شریف این بزرگوارها دو روایت متعارض مینمود؛ حرف واحد و سبعة احرف. ولی معروف حرف واحد است. این حرف ما طی چند سال بود. شاهدش را هم میآوردم. اینها خیلی تکرار شده بود. شیخ طوسی که خیلی بیشتر اما ابو الفضل رازی[1] با صد سال فاصله از کار ابن مجاهد میگوید ببین ابن مجاهد چه کار کرده که آلآن اگر کسی بخواهد غیر از قرائات سبع، قرائتی را بخواند او را تکفیر میکنند. یعنی فضا این قدر سنگین شده بود. من اینها را بهعنوان شاهد میآوردم.

اما خب امسال بعد از عید غدیر قرائن متصله خیلی جالبی در کلام خود شیخ الطائفه و جناب امین الاسلام طبرسی پیدا شد که ما را به شک انداخت. آلآن که خدمت شما هستم کاملاً مشکوک است که بگوییم آن فضای قرن اول و دوم در اذهان شریف بزرگانی مثل شیخ الطائفه،شیخ مفید، سید رضی، سید مرتضی محو شده بود. ممکن است که همانطور که ابوالفضل رازی میگوید عوام تکفیر بکنند اما در ذهن خواص متخصص علوم قرآنی محو نشده بود. موجود بود. آلآن غالب در ذهن من فعلاً این است. فقط این میماند که کلام طور دیگری معنا میشود. وقتی برای ما واضح شود که آن معنا در ذهن شیخ الطائفه و سائر بزرگان بود...؛ شواهدی هم آوردم؛ حتی از تفسیر قرطبی[2] و قبل و بعد او، از طبری؛ از اینها معلوم میشود که آن جو در ذهن آنها بوده است. فقط چیزی که سخت است جواب آن را بدهیم حرف ابن حزم است. هنوز اشکالش باقی است.

ابن حزم[3] گفت مالک مطلبی گفته که اگر به لازمه آن توجه داشت، کافر بود. ولی چون غافل بود او را میبخشیم. گفته که قرآن را میتوان تلاوت به معنا کنیم و از جیب خودمان مرادفی را برای لفظ قرآن بیاوریم. ابن حزم هم با سند بسیار صحیح این را به رخ مالکیه کشید و گفت ببینید این امام شما است. چیزی میگوید که حالا او را میبخشیم. چون توجه نداشته است. و الا اگر توجه داشت کافر بود. شما در کتاب خدا دست میبردید و بعد میگوییدی چه شد؟! هر کسی که قرآن میخواند میتواند هر لفظی را تبدیل به معنا بکند، تلاوت به معنا بکند و نقل به معنا

بکند. مالک اگر توجه داشت کافر بود. هنوز نمی‌توانیم این نقل را کاری کنیم. یعنی این نقل قشنگ دلالت دارد که در ذهن ابن حزم ذهنیتی که مالک و ... داشتند نبوده. اگر برای او واضح بود که با این شواهد، در آن زمان رایج بود، نمی گفت که مالک کافر بوده. من قبلاً ده-دوازده نقل را برای رایج بودن آن عرض کردم.

---

[1]النشر في القراءات العشر (1/ 43)؛ وقال الإمام شيخ الإسلام أبو الفضل عبد الرحمن بن أحمد الرازي بعد أن ذكر الشبهة التي من أجلها وقع بعض العوام الأغبياء في أن أحرف هؤلاء الأئمة السبعة هي المشار إليها بقوله: - صلى الله عليه وسلم -: أنزل القرآن على سبعة أحرف، وأن الناس إنما ثمنوا القراءات وعشروها وزادوا على عدد السبعة الذين اقتصر عليهم ابن مجاهد لأجل هذه الشبهة

[2]تفسير القرطبي (١٩/ ٤١) و تفسير الطبري = جامع البيان ت شاكر (١/ ٣٠)

[3]الإحكام في أصول الأحكام لابن حزم (٤/ ١٧١)؛ قال أبو محمد فكيف يقولون مثل هذا أيجيزون القراءة هكذا فلعمري لقد هلكوا وأهلكوا وأطلقوا كل بائقة في القرآن وأ يمنعون من هذا فيخالفون صاحبهم في أعظم الأشياء وهذا إسناد عنه في غاية الصحة وهو مما أخطأ فيه مالك مما لم يتدبره لكن قاصد إلى الخير ولو أن أمرا ثبت على هذا وجازه بعد التنبيه له على ما فيه وقيام حجة الله تعالى عليه في ورود القرآن بخلاف هذا لكان كافرا ونعوذ بالله من الضلال قال أبو محمد فبطل ما قالوه في الإجماع بأوضح بيان والحمد لله رب العالمين

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 12:02:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 ژوئن 2024 09:57:51 توسط ... .